

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

پری قدمی - لندن

۱۶-۰۵-۲۰۱۰

راه پیمائی علیه جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به کشتار ددمنشانه اخیر - لندن

در پی فراخوان مشترک:

- سازمان زنان هشت مارس (ایران - افغانستان) - لندن

- سازمان کارگران انقلابی ایران-راه کارگر- لندن

- شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران

- فعالین چریکهای فدائی خلق- لندن

- کمیته جوانان - انگلستان

- اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - بریتانیا

- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی

- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

روز شنبه تاریخ ۱۵ می ۲۰۱۰ مصادف با ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۹ انسان‌هایی که قلبشان از کشتار بی رحمانه رژیم فاشیست اسلامی به درد آمده بود، گرد هم آمدند. این گردهمایی از ساعت یک بعداز ظهر به صورت اکسیون با نمایش صحنه‌هایی از جنایت جمهوری زنجیر اسلامی و پلاکاردهایی که خواسته‌های مردم ایران را در برداشت، به مردمی که در میدان ترافالگار در حال تردد بودند، نشان داده شد. در میدان ترافالگار این گردهمایی نزدیک به دو ساعت طول کشید. در این بین فعالین سیاسی با سخنرانی‌های افشاگرانه خود علیه رژیم ایران با اشاره به جنایات هولناک اخیر و به دار کشیدن پنج انسان بی گناه سعی در آگاه کردن افکار عمومی و جلب توجه به واقعیت فضای سیاسی ایران را داشتند. هنگامی که این جمع شعار سر می‌دادند، مردم رهگذر و بازدید کننده از نمایشگاه عکس

همراه با ما شعار مرگ بر جمهوری اسلامی را فریاد می کشیدند و بدین طریق اعلام همبستگی خود را نشان می دادند.

تقریباً حوالی ساعت سه صبح تظاهرات کنندگان از میدان ترافال گار عازم حرکت به سمت سفارتخانه جمهوری اسلامی شد. در اول صبح تظاهرات پرچم بزرگی که رویش نوشته شده بود:

«سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران» همراه با تصاویری از شکنجه و زجر زنان و مردان تحت ستم در ایران بود، قرار داشت.

صبح به آرامی حرکت می کرد، گویی که تظاهرات کنندگان دوست داشتند، در همبستگی با مردم ایران و خلق های تحت ستم در بین افکار عمومی خارج از ایران سهم بیشتری را ببرند، چرا که این عمل انسان دوستانه و حمایتی را وظیفه خود می دانستند و می دادند.

برایم عجیب بود! پلیس اصرار داشت که صبح تظاهرات کنندگان سریع تر حرکت کند و به دوستی که مسؤلیت راهپیمایی را بر عهده گرفته بود، مدام گوش زد می کرد، به ما بگوید " تندتر حرکت کنیم."

هنگامی که بین تظاهرات کنندگان فاصله می افتاد، دوستان و رفقای که در جلوی صف می ایستادند تا ما به آنها برسیم، که صبح مرتب شود، پلیس به این عمل اعتراض می کرد، و من بیش تر متعجب می شدم! به راستی از چه می ترسیدند؟ ما فقط واقعیت فضای سیاسی ایران را بدون روتوش می گفتیم و نشان می دادیم!! شرکت کنندگان با حمل پلاکاردهای مختلفی که خواست های واقعی مردم ایران در آن نوشته شده بود حرکت می کردند. به طور مثال می توان به چند نمونه اشاره کرد:

«ما خواستار آزادی تمام زندانیان سیاسی بدون قید و شرط هستیم»، «به سنگسار و اعدام و شکنجه پایان دهید»، «حجاب اجباری سمبل اسارت زنان است»، «نه به ارتجاع اسلامی، نه به امپریالیسم»، «بدون شرکت فعال زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد» و ...

و هم چنین شعارهایی نیز در این رابطه سر داده می شد از جمله:

- جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد.

- جمهوری اسلامی رژیم ارتجاعی مرگت فرا رسیده.

- مرگ بر حکومت ضد زن

- سنگسار ملغی باید گردد.

- زندان، شکنجه، اعدام ملغی باید گردد.

- کارگر زندانی آزاد باید گردد.

- دانشجوی زندانی آزاد باید گردد.

- زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

از خیابان های پر تردد گذر می کردیم. توجه عابریان به ما جلب می شد، به ویژه آن که در بین ما تعداد زیادی نیروهای غیر ایرانی از جمله انگلیس ها و ... بودند. اطلاعیه هایی که از قبل تهیه شده بود، می گرفتند. با اشتیاق می خواستند بدانند که چه شده است این جمع این چنین فریاد «مرگ بر جمهوری اسلامی ایران» را سر می دهد. کنار صف اطلاعیه را می خواندند و بعد به ما لبخند می زدند. با ما شعار می دادند و در همبستگی دست هایشان را تکان می دادند. من خود بارها شنیدم که برای ما آرزوی موفقیت می کردند و با این جمله انرژی من بیش تر و بیش تر می شد.

صبح تظاهرات کنندگان به دفتر هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران رسید. صبح از حرکت باز ایستاد. با شور و حرارت بیشتری شعار «جمهوری اسلامی مرگت فرا رسیده»، «جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد» را سر دادند. رانندگانی که عبور می کردند، برایمان بوق می زدند. از پیاده روی آن طرف خیابان مردم با ما هم صدا می شدند. پلیس به راستی عصبانی بود. دوست نداشتم که جمعیت در مقابل این دفتر هواپیمایی بیش تر بایستد، اما شرکت کنندگان در این حرکت اعتراضی راسخ بودند. شعارها را بلند و بلندتر از قبل تکرار کردند. پلیس برابر عزم جزم شده آنان چیزی نتوانست بگوید!

این همه همبستگی در بین تظاهرات کنندگان نشان واقعی همبستگی و همدلی با مادران رنج دیده ایران و خلق های تحت ستم است. همبستگی با مادر فرزادها، شیرین ها، فرهادها، علی ها، مهدی ها، نداها، سهراب ها و ترانه هاست که هر روز یکی از پس دیگری شقایقی را به جنبش مبارزاتی مردم هدیه کرده اند و کمر خم نکرده اند. غرور آن مادران است که به ما نیرو می دهد.

تظاهرات کنندگان با گذشت از مسیرهای مختلف توریستی و پر تجمع نزدیک به سه ساعت راهپیمایی نمودند و به محل جاسوسخانه رسیدند. محوطه سفارت به شدت امنیتی شده بود و حتی حفاظ جهت جلوگیری از حمله احتمالی نیز نصب شده بود!

تظاهرات کنندگان بیش از یک ساعت مقابل لانه جاسوسی رژیم ایران اکیسون اعتراضی خود را برگزار نمودند.

شعار «فرزاد ما نمرده، این دولته که مرده» در همبستگی با خانواده جانبختگان اخیر به صورت متحدانه سر داده شد.





